

مجله موسیقی

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۶۹



موسیقی نو در دنیای نو

یکی از پدیده های شگفت آور دنیای نوین که شاید بتوان آن را يك اشتباه تاریخی دانست این است که موسیقی نوین نتوانسته است آنطور که باید جای خود را در دل طرفداران و هواخواهان موسیقی باز کند و زیبایی و اهمیت آن هنوز

بر عده کثیری از ما مجهول مانده است. مردمی که برای بدست آوردن جدیدترین مدل اتومبیل یا تازه ترین ساخت یخچال و تلویزیون و دستگاه تهویه هوا پیوسته در تلاش اند و برای مسافرت سریعترین هواپیمای جت را انتخاب می کنند، با لجاجت و سرسختی بشنیدن مکرر موسیقی کهنه نسلهای قدیمی؛ «باخ»، «بتهوون»، «برامس» و دیگران اصرار می ورزند و اگر احیاناً اثر جدیدی را بشنوند، با تعرض یکی از صفحات «چایکوسکی» را پیش میکشند و با تکبری خاص می گویند: «موسیقی حقیقی این است!»

البته در اینجا روی سخن تنها با آن دسته از کسانی است که بظاهر ادعا می کنند جزء دوستداران موسیقی اصیل هستند و بطور کلی با آنانکه از فهم و درک موسیقی عاجزاند و یا بدون اراده شیفته آثار «روز» شده اند کاری نداریم.

عجب اینجاست که مفهوم واقعی موسیقی نوین یا اصولاً مورد توجه نسل حاضر قرار نگرفته یا هدف بدگویی و ملامت عده ای از آنان واقع شده است. این تناقض شدید که در این عصر گریبانگیر ما شده در گذشته وجود خارجی نداشته است. حتی در زمانیکه وسائل ارتباطی بوسعت و عظمت امروز نبود، آهنگساز بنامی چون «مونتته وردی» تنها برای زمان خود آهنگ می ساخت. آثار «باخ» برای مراسم مذهبی روزهای یکشنبه فراهم میشد و «موزار» آهنگهای جدید خود را پیش از حضور در دربار سلاطین تنظیم میکرد. در آن زمان، مردم تنها طالب شنیدن موسیقی جدید بودند و آهنگهای قدیمی پس از اندک زمانی فراموش می شد.

اینک به بینیم چه عاملی موجب این بی توجهی نسبت به موسیقی معاصر شده و چرا هنوز با تمام تبلیغاتی که از طرف دوستداران موسیقی نوین میشود، آهنگسازان عصر حاضر در گمنامی باقی مانده و بسیاری از آهنگهای عالی که در بدو امر شاهکاری شناخته شده، مورد قبول دوستداران موسیقی قرار نگرفته است.

آیا این کوتاهی متوجه شنوندگان است یا مقصر اصلی آهنگسازان ما میباشد؟

بدون شك هر دو رامی توان خطاكار دانست . عقیده صاحب نظران نیز در این مورد همین است . برخی از آنان عامه مردم را بعلمت عدم علاقه و توجهشان به موسیقی نوین سرزنش می کنند و عده ای دیگر آهنگسازانی را که به ساختن آهنگهایی غیر قابل درك و خارج از ظرفیت اکثریت مردم دست میببرند مورد انتقاد قرار می دهند . ولی هیچیک از این دو نظر تأثیری در وضع آشفته و استثنائی فعلی ندارد . آهنگسازان كمافی السابق به ساختن آهنگهای مورد علاقه شان ادامه می دهند و شنوندگان نیز راه همیشگی را در انتخاب آهنگ مورد نظر پیش می گیرند .

بدبختانه آهنگسازان را نمی توان در ساختن آثار نوین و جالبتری راهنمایی کرد چون محصول كار آنان در حقیقت مبین احساسات درونی آنهاست ولی شاید بتوان با كمك اصول تعلیم و تربیت ، شنونده را تا حدی به پذیرفتن و دوست داشتن موسیقی مدرن عادت داد .

مسئله پیچیده ای که امروز آهنگسازان ، نوازندگان ، رهبران ، مدیران و ناشران آهنگهای موسیقی با آن روبرو هستند ، تعیین مرزی است که خواستاران احتمالی موسیقی نوین تا بدانجا باستقبال میشتابند ، لیکن كار خارج از این مرز با عدم استقبال عمومی روبرو می شود . مشکل دیگر عدم هم آهنگی و سازش اجباری ناشران و آهنگسازان است . این دو گروه که مخلوطی از هنرمند و تاجر را تشکیل می دهند ، بعلمت هدف مشترکشان ، یعنی کسب درآمد ، چنان بهم نزدیک شده اند که بگفته عده ای : «بعقد یکدیگر درآمده اند» ، چون بدون وجود آهنگسازان ناشران از كار بر کنار خواهند شد و بدون وجود ناشران ، آهنگسازان را پناهگاهی وجود نخواهد داشت . این نزدیکی فوق العاده سبب شده است که هر دو گروه به خواسته های مردم بی اعتنا شوند و تنها بفکر منافع خویش باشند .

شاید تنها اختلافی که در كار ناشران و آهنگسازان مشهور است ، انتشار آهنگی است که از نظر سازنده آن بسیار عالی و جالب است در حالی که ناشر با شك و تردید اقدام به چاپ و انتشار آن می نماید . ولی ناشرانی وظیفه شناس اند که بدون توجه به تحمیل و فشار آهنگسازان ، و یا توجه به علاقه واقعی مردم مجموعه ای از آهنگهای متنوع را تهیه و در دسترس علاقمندان قرار می دهند .

در پایان بی‌مناسبت نیست یادآور شویم که ناشران باید منت‌های سعی و کوشش خود را در انتخاب آهنگ‌هایی که به آن ایمان دارند بنمایند و ضمناً بیاد داشته باشند که آهنگ‌ساز مهم‌ترین رکن زندگی موسیقی است و بدون وجود او نوازنده، ناشر، ناقد و در نتیجه موسیقی وجود نخواهد داشت.*

ترجمه فریدون پیرزاده



ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله از آخرین شماره مجله **Musical America** ترجمه شده

است.